

پرش ها و پانچ ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوبه اشعی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

احکام؛ نماز جماعت

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: صابر عبداللهی

آیا خواندن نماز ظهر پشت سر کسی که نماز عصر را می‌خواند یا بالعکس، جایز است؟ به طور کلی، خواندن نماز با امامی که نمازی دیگر می‌خواند، چه حکمی دارد؟

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۲۱

درباره‌ی حکم نماز با امامی که نمازی دیگر می‌گزارد، اختلاف نظر وجود دارد؛ به این صورت که شافعیّه، ظاهریّه و امامیه آن را جایز می‌دانند و سایر مذاهب آن را جایز نمی‌دانند و به نظر می‌رسد که حق با سایر مذاهب است؛ به دلیل سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرموده است: «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ»^۱؛ «امام برای این گذاشته شده است که به او اقتداء شود» و از عموم و اطلاقی دانسته می‌شود که اقتداء به امام، در همه‌ی اجزاء و افعال نماز واجب است و تردیدی نیست که یکی از اجزاء و افعال نماز نیت است. بنابراین، اقتداء به امام در نیت نیز واجب است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: لَا تَحْتَلِفُوا عَلَى الْإِمَامِ فِي شَيْءٍ، فَتَحْتَلِفَ قُلُوبُكُمْ، قُلْتُ: وَفِي النَّيَّةِ؟ قَالَ: وَهَلْ شَيْءٌ أَكْبَرُ مِنَ النَّيَّةِ؟!»؛ «شنیدم منصور می‌فرماید: با امام در چیزی اختلاف نکنید؛ چراکه دل‌هاتان مختلف می‌شود، گفتم: حتی در نیت؟

۱. صحیفة همام بن منبه، ص ۳۸؛ عوالی اللیث بن سعد، ص ۶۷؛ موطأ مالک (روایة یحیی)، ج ۲، ص ۱۸۵؛ حدیث علی بن حجر عن إسماعیل بن جعفر، ص ۲۶۸؛ مسند الشافعی، ص ۵۸؛ مسند أبي داود الطيالسي، ج ۳، ص ۵۶۲؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۴۶۰؛ مسند الحميدي، ج ۲، ص ۳۰۵؛ الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۲، ص ۱۹۰؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۱، ص ۲۲۷؛ مسند إسحاق بن راهويه، ج ۲، ص ۱۰۴؛ مسند أحمد، ج ۲۲، ص ۱۱۶، ج ۳۲، ص ۳۶۶؛ مسند الدارمي، ج ۲، ص ۷۹۸؛ صحيح البخاري، ج ۱، ص ۸۵؛ صحيح مسلم، ج ۲، ص ۱۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۹۲؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۱۶۴؛ سنن الترمذي، ج ۱، ص ۳۸۷؛ سنن النسائي، ج ۲، ص ۱۳۹

فرمود: مگر چیزی بزرگ‌تر از نیت هم هست؟!»

آری، گفته شده که مقصود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، اقتداء در سایر اجزاء و افعال نماز بوده که آشکار است، نه در نیت؛ چراکه نیت آشکار نیست، ولی این سخن در مواردی که نیت، از اخبار امام یا قرائن و شواهد موجود آشکار است، صدق نمی‌کند. به بیان دیگر، سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عام و مطلق است و از آن دانسته می‌شود که اقتداء به امام تا حدّ ممکن واجب است. بنابراین، کسی که می‌داند نیت امام در نماز چیست، نمی‌تواند نیتی مغایر با نیت او داشته باشد؛ چراکه در این صورت، به او اقتداء نکرده، در حالی که می‌توانسته است اقتداء کند، ولی کسی که نمی‌داند نیت امام در نماز چیست، می‌تواند هر فریضه‌ای که احتمال می‌رود او در حال گزاردن آن باشد را با او بگذارد؛ زیرا اقتداء به امام در اجزاء و افعالی واجب است که معلوم است و اگر بعداً معلوم شد که او نمازی دیگر می‌گزارده است اشکالی ندارد و روشن است که تجسس واجب نیست؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«دَخَلْتُ عَلَى الْمَنْصُورِ، فَوَجَدْتُ النَّاسَ يُصَلُّونَ مَعَهُ، فَظَنَنْتُ أَنَّهُمْ يُصَلُّونَ الْعَصْرَ، وَكُنْتُ قَدْ صَلَّيْتُ الظُّهْرَ، فَدَخَلْتُ مَعَهُمْ، فَلَمَّا فَرَعُوا مِنَ الصَّلَاةِ شَكُكْتُ، فَقُلْتُ: أَلَسْتُمْ قَدْ صَلَّيْتُمُ الْعَصْرَ؟ قَالُوا: إِنَّمَا صَلَّيْنَا الظُّهْرَ، فَأَخْبَرْتُ بِذَلِكَ الْمَنْصُورَ، فَقَالَ: أَجَزَأْتُ عَنْكَ، ثُمَّ قَالَ: صَلِّ مَعَ الْجَمَاعَةِ كُلِّ فَرِيضَةٍ، وَلَا تَسْأَلْ مَاذَا يُصَلُّونَ»؛ «بر منصور داخل شدم، پس مردم را یافتم که با او نماز می‌گزارند، پس پنداشتم که نماز عصر را می‌گزارند و من نماز ظهر را گزارده بودم، پس با آنان همراه شدم، پس چون از نماز فارغ شدند شک کردم، پس گفتم: آیا نه این است که نماز عصر را گزاردید؟ گفتند: نماز ظهر را گزاردیم، پس منصور را از آن آگاه کردم، پس فرمود: تو را کفایت کرد، سپس فرمود: با جماعت هر فریضه‌ای را بگذار و نپرس که چه می‌گزارند».

بر خلاف پندار امامیه، مستفاد از روایات اهل بیت نیز همین است؛ مانند روایت حماد بن عثمان که در آن آمده است: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ يَوْمٌ يَقُومُ، فَيُصَلِّي الْعَصْرَ، وَهِيَ لَهُمُ الظُّهْرُ، فَقَالَ: أَجَزَأْتُ عَنْهُ، وَأَجَزَأْتُ عَنْهُمْ»^۱؛ «از امام جعفر صادق علیه السلام درباره‌ی مردی پرسیدم که گروهی را نماز می‌دهد، پس نماز عصر را می‌گزارد، در حالی که برای آنان نماز ظهر است،

۱. تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۳، ص ۴۹

پس فرمود: او و آنان را کفایت می‌کند؛ با توجه به اینکه ظاهراً مقصود، در حالت جهل است؛ یعنی او نماز عصر را می‌گزارد، در حالی که نزد آنان نماز ظهر است؛ چنانکه در روایت ابو بصیر آمده است: «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ صَلَّى مَعَ قَوْمٍ، وَهُوَ يَرَى أَنَّهَا الْأُولَى، وَكَانَتْ الْعَصْرُ، قَالَ: فَلْيَجْعَلْهَا الْأُولَى، وَلْيُصَلِّ الْعَصْرَ»^۱؛ «از او درباره‌ی کسی پرسیدم که با گروهی نماز گزارده، در حالی که گمان می‌کرده نماز ظهر است و نماز عصر بوده است، فرمود: آن را نماز ظهر قرار دهد و نماز عصر را بگذارد»؛ لذا در روایت دیگری آمده است: «فَإِنْ عَلِمَ أَنَّهُمْ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ وَلَمْ يَكُنْ صَلَّى الْأُولَى فَلَا يَدْخُلُ مَعَهُمْ»^۲؛ «اگر می‌داند که آنان در نماز عصر هستند و نماز ظهر را نگزارده است، با آنان همراه نشود»، بلکه مستفاد از برخی روایات اهل بیت، عدم صحت نماز با اختلاف نیت حتی در حالت جهل است؛ مانند روایت سلیم فراء که در آن آمده است: «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ مُؤَذِّنَ قَوْمٍ وَإِمَامَهُمْ، فَيَكُونُ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ وَغَيْرِ ذَلِكَ، فَيُصَلِّي بِهِمُ الْعَصْرَ فِي وَقْتِهَا، فَيَدْخُلُ الرَّجُلُ الَّذِي لَا يَعْرِفُ، وَيَرَى أَنَّهَا الْأُولَى، أَفْتَجْزِيهِ أَنَّهَا الْعَصْرُ؟ قَالَ: لَا»^۳؛ «از او درباره‌ی مردی پرسیدم که مؤذن و امام قومی است و در راه مکه یا جایی دیگر است، پس با آنان نماز عصر را در وقتش می‌گزارد، پس مردی که خبر ندارد وارد می‌شود و گمان می‌کند که آن نماز ظهر است، آیا او را کفایت می‌کند با اینکه نماز عصر است؟ فرمود: نه» و مانند روایت علی بن جعفر که در آن آمده است: «سَأَلْتُهُ عَنْ إِمَامٍ كَانَ فِي الظُّهْرِ، فَقَامَتِ امْرَأَتُهُ بِحَيْالِهِ تُصَلِّي مَعَهُ، وَهِيَ تَحْسَبُ أَنَّهَا الْعَصْرُ، هَلْ يُفْسِدُ ذَلِكَ عَلَى الْقَوْمِ؟ وَمَا حَالُ الْمَرْأَةِ فِي صَلَاتِهَا مَعَهُمْ، وَقَدْ كَانَتْ صَلَّتِ الظُّهْرَ؟ فَقَالَ: لَا يُفْسِدُ ذَلِكَ عَلَى الْقَوْمِ، وَتُعِيدُ الْمَرْأَةُ صَلَاتَهَا»^۴؛ «از او درباره‌ی امامی پرسیدم که در نماز ظهر است، پس زنش کنار او می‌ایستد و با او نماز می‌گزارد، در حالی که گمان می‌کند نماز عصر است، آیا این نماز مردم را باطل می‌کند؟ نماز زن با آنان چه حکمی دارد، در حالی که قبلاً نماز ظهر را گزارده است؟ فرمود: نماز مردم را باطل نمی‌کند، ولی زن باید نمازش را اعاده کند»، هر چند بهتر است که آن‌ها را بر استحباب اعاده حمل کنیم؛ چراکه جهل به موضوع، رافع مسؤولیت محسوب می‌شود؛ به دلیل سخن خداوند که فرموده است: ﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَهْطَأْنَا﴾^۵؛ «خدایا! ما را مؤاخذه نکن اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم»

۱. الکافی للکلینی، ج ۳، ص ۳۸۴؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۳، ص ۲۷۲

۲. الکافی للکلینی، ج ۳، ص ۳۸۴

۳. تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۳، ص ۴۹

۴. تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۲، ص ۲۳۲

۵. البقرة / ۲۸۶



و فرموده است: «وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^۱؛ «و بر شما گناهی نیست در کاری که به خطا کردید، ولی کاری که عمداً انجام دادید (گناه است) و خداوند آمرزنده‌ای مهربان است» و به دلیل سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که در آن آمده است: «وُضِعَ عَنْ أُمَّتِي الْخَطَأُ وَالنَّسْيَانُ وَمَا لَا يَعْلَمُونَ»^۲؛ «از امت من (مسئولیت) خطا و فراموشی و چیزی که نمی‌دانند برداشته شده است».

از اینجا دانسته می‌شود که استدلال امامیه به روایات اهل بیت برای صحیح دانستن نماز در صورت اختلاف عمدی در نیت، نادرست است و همچنین است استدلال شافعیّه و ظاهریّه به روایتی که می‌گوید معاذ بن جبل نماز عشاء را با پیامبر می‌گزارد و سپس به نزد قوم خود باز می‌گشت و آنان را نماز می‌داد، در حالی که نماز دوم برای او مستحب بود؛ چراکه تکرار نماز عشاء به جماعت، بدون اینکه باطل یا فرادا بوده باشد، مشروع نیست؛ چنانکه روایت شده است: «لَا تُصَلُّوا صَلَاةً فِي يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ»^۳؛ «نمازی را در یک روز دو بار نگزارید» و اگر مشروع باشد نیز، از آن جهت که نماز عشاء است می‌توان نماز عشاء را با آن گزارد، ولی نمی‌توان نمازی دیگر را با آن گزارد و اختلاف درباره‌ی نمازی دیگر است که دلیلی قطعی برای جوازش نرسیده و روشن است که اصل در عبادات، عدم جواز است، تا آن گاه که دلیلی قطعی برای جواز برسد.

آری، محتمل است که نماز دوم معاذ، قضاء بوده باشد؛ زیرا می‌توان قضاء نماز را با کسی به جای آورد که آن را اداء می‌کند و بالعکس؛ چنانکه در روایت اسحاق بن عمار آمده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَقَامُ الصَّلَاةُ وَقَدْ صَلَّيْتُ، فَقَالَ: صَلِّ، وَاجْعَلْهَا لِمَا فَاتَ»^۴؛ «به امام جعفر صادق علیه السلام گفتم: نماز جماعت بر پا می‌شود، در حالی که من نماز گزارده‌ام، پس فرمود: نماز بگزار و آن را قضاء نمازی قرار بده که فوت شده است»؛ چراکه قضاء و اداء هر دو واجب هستند و به یک نماز تعلق دارند و از این رو، اختلاف در آن دو، اختلاف در نیت محسوب نمی‌شود؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

۱. الأحزاب / ۵

۲. الجامع لمعمر بن راشد، ج ۱۱، ص ۲۹۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۵۹؛ المعرفة والتاريخ للفسوي، ج ۲، ص ۴۹۴؛ النوادر لأحمد بن محمد بن عيسى، ص ۷۴؛ تفسير ابن المنذر، ج ۱، ص ۱۰۳؛ الكافي للكليني، ج ۲، ص ۴۶۳؛ صحيح ابن حبان، ج ۵، ص ۴۶۹؛ التوحيد لابن بابويه، ص ۳۵۳

۳. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۲، ص ۷۸؛ مسند أحمد، ج ۸، ص ۳۱۶؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۱۵۸؛ التاريخ الكبير لابن أبي خيثمة (السفر الثالث)، ج ۲، ص ۱۵۱؛ سنن النسائي، ج ۲، ص ۱۱۴؛ صحيح ابن خزيمة، ج ۳، ص ۶۹

۴. تهذيب الأحكام للطوسي، ج ۳، ص ۵۱

«كُنْتُ عِنْدَ الْمَنْصُورِ، فَأَقِيمَتِ صَلَاةُ الظُّهْرِ، فَقُلْتُ: إِنِّي قَدْ صَلَّيْتُهَا مُنْفَرِدًا، أَفَأَصَلِّيْهَا مَعَكَ مَرَّةً أُخْرَى؟ قَالَ: صَلِّ، قُلْتُ: وَعَلَيَّ قَضَاؤُهَا، أَفَأَقْضِيهَا مَعَكَ؟ قَالَ: اقْضِ، قُلْتُ: أَفَلَا أَجْعَلُهَا صَلَاةَ الْعَصْرِ؟ قَالَ: لَا»؛ «نزد منصور بودم، پس نماز ظهر بر پا شد، پس گفتم: من آن را به فرادا گزارده‌ام، پس آیا آن را برای بار دوم با تو بگزارم؟ فرمود: بگزار، گفتم: قضاء آن هم بر عهده‌ی من است، پس آیا قضاء آن را با تو بگزارم؟ فرمود: بگزار، گفتم: آیا آن را نماز عصر خود قرار ندهم؟ فرمود: نه».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ جعفر جراسانی
www.alkhorasani.com



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ جعفر جراسانی حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه کانال تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطلب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.